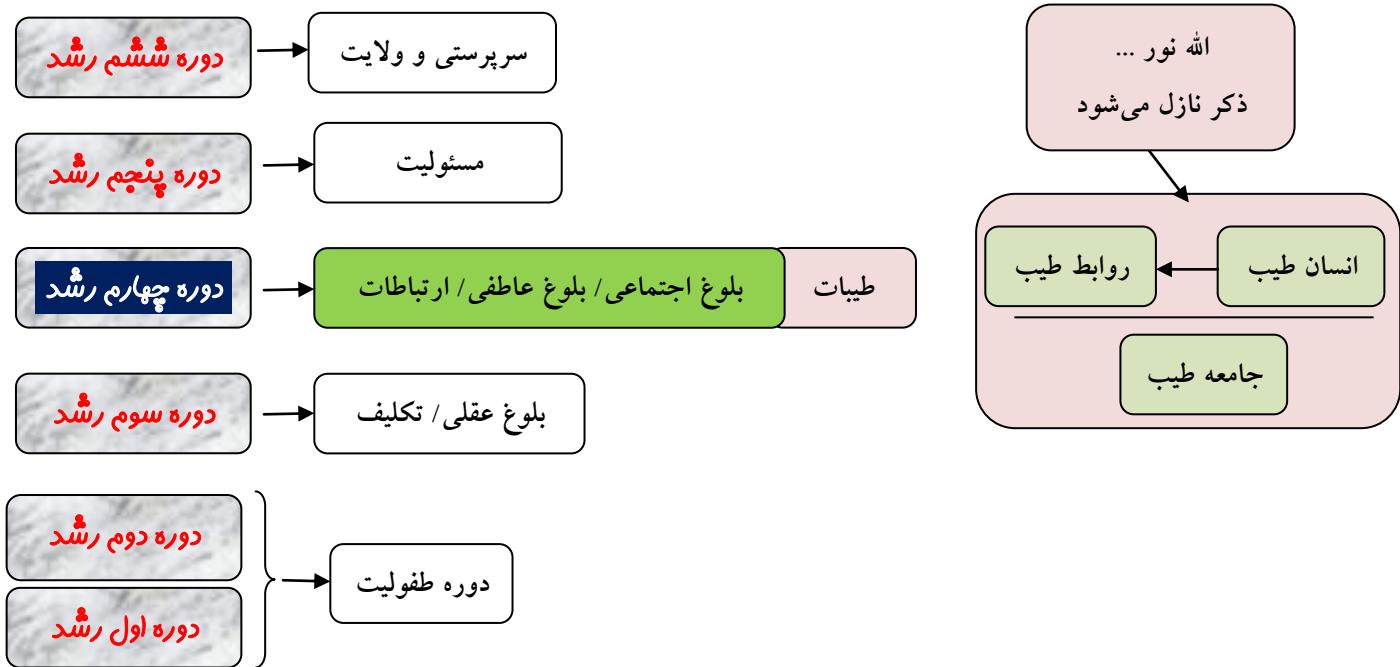




سوره مبارکه نور

جلسه اول: ۹۲/۹/۹

- سوره مبارکه نور مربوط به دوره چهارم رشد است:



- در دوره چهارم رشد مباحث متعددی وجود دارد، مانند موضوع «طیب و خبیث». منظور از طیب و خبیث، روابط و انسان‌های طیب و خبیث هستند و جامعه‌ای که طیب و یا خبیث است.

- این سوره نشان می‌دهد وقتی افراد جامعه طیب باشند، «ذکر» نازل می‌شود. «آیه نور» در اینچنین فضایی نازل شده است.

- «آیه نور» یکی از زیباترین آیاتی است که در این سوره و در کل قرآن آمده است. برای نزول آن حتماً باید ظرف تحقق بسیار پاکی وجود داشته باشد.

بررسی اجمالی آیات سوره:

- آیه ۱: شروع این سوره بسیار اختصاصی است و هیچ سوره‌ای در قرآن این‌گونه شروع نشده است. زیرا تنها سوره‌ای است که واژه «فرَضْنَاها» برای آن آمده است. یعنی تنها سوره‌ای است که خدا در مورد آن چنین تعبیری به کار برده و نزول آن را بر خود «واجب» دانسته است.

- آیات بیانات: یعنی آیات این سوره به صورت واضح بیان شده است.

- واژه‌های «بیان» و «بیان» در این سوره بسیار پرنگ هستند. بحث «تبیین» یکی از موضوعات محوری سوره است.

- آیه ۲: این آیه جزء آیات عجیب قرآن است، زیرا احکام را بیان کرده و رأفت در دین را نیز نمی‌پذیرد. علاوه بر اینکه باید خاطئین جامعه شلاق زده شوند، دستور می‌دهد طائفه‌ای از مؤمنین شاهد بر این جریان باشند.

- این آیات درباره «طیب‌سازی روابط» سخن می‌گوید. برای طیب کردن، لوازمی وجود دارد که آن لوازم در این آیه و آیات بعد از آن ذکر شده است. لذا می‌توان گفت: این موارد مؤلفه‌های طیب‌سازی روابط‌اند.
- آیات ۳ و ۴: این آیات انواع روابطی که در آن خباثت ایجاد می‌شود را بیان می‌کند. «تهمتِ روابط نامشروع و شهادت بر این روابط»، نیز بیان شده است. در واقع آنچه درباره روابط در حیثیت‌های مختلف وجود دارد، در این بایات یان شده است. کسانی که خطاکارند و آن‌ها که مشاهده می‌کنند و افرادی که نسبت زنا می‌دهند، برای هر کدام از این افراد احکام مخصوصی ارائه می‌دهد.
- توجه: کسی که عمل زنا انجام می‌دهد و کسی که به دروغ، این عمل را نسبت می‌دهد، هر دو باید تازیانه بخورند. علت خبیث شدن روابط است.
- آیات ۵ تا ۱۰: ممکن است روابط خبیث به روابط زناشویی هم نفوذ پیدا کند و بین زن و مرد حس‌های نادرست ایجاد شود که احکام آن را یکی یکی بیان می‌کند.
- آیه ۱۱: چنین خباثتی تبدیل به جریان‌هایی سیاسی شده و حربه‌هایی در دست منافقین و یا کسانی که می‌خواهند جامعه اسلامی را به فتنه بکشانند، می‌شود.
- «افک» به معنای بهتان است. گناهی که نکرده‌اند گردنشان می‌اندازند.
- آیات ۱۲ و ۱۳: خدا در این آیات برای «کذب» و «کاذب بودن افراد» استانداردهایی تعیین نموده است. در واقع کذب و صدق را در معیارهای درونی افراد قرار نداده بلکه آن را به صورت کمی بیان نموده است. یعنی آنها باید برای ادعای خود چهار شاهد بیاورند. اگر او چهار شاهد داشته باشد، «صادق» است و گرنه «کاذب» است. در واقع فرد صرف نداشتن چهار شاهد، کاذب است.
- «لولا»هایی که در این آیات آمده بسیار مهم‌اند. اولین «لولا» به نقش مؤمنین و مؤمنات در جامعه بر می‌گردد یعنی هرگاه آنها روابط خبیثی را شنیدند، طیب‌سازی کنند و خودشان به این شنیده‌ها دامن نزنند.
- آیه ۱۳: در این آیه منظور کسی است که افک می‌زنند.
- آیه ۱۴: «وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ»: درباره فضل خداست.
- توجه: در این سوره بحث «فضل خدا» بسیار مهم است. (یعنی واژه‌های «تبیین» و «فضل» مهم هستند.)
- «فضل» به انسان‌ها بر می‌گردد و به توأم‌ندهایی که در روابط ایجاد می‌کنند. در واقع «فضل» برتری‌ها، استعدادها و توأم‌ندهایی است که به واسطه روابط برای انسان ایجاد می‌شود.
- آیات ۱۵ تا ۱۸: انسان‌ها نوعاً نسبت به روابط غریزه جنسی بسیار حساسیت دارند. یکی از دلایل آن این است که این غریزه نسبت به بقیه غرائز اجتماعی‌تر است، در واقع ماهیت این غریزه کاملاً اجتماعی بوده و هر انسانی که سالم باشد، این «غریزه» را دارد. به عبارتی وجود این غریزه، نشانه سلامت انسان است.
- این آیات می‌خواهد نوع روابط را طیب کند اما بر روابط خانوادگی تأکید کرده است. پس از فهم طیب بودن روابط خانوادگی، می‌توان این روابط را برای هر نوع رابطه دیگری «مدل‌سازی» نمود.
- وجود اعتماد به طیب بودن ولادت فرزندان در جامعه، بسیار مهم است زیرا اگر چنین نباشد هر فرد در جامعه به طیب ولادت خود شک می‌کند. اینگونه تمام بنیاد و سرمایه زندگی انسان در جامعه از او گرفته می‌شود.

- آیه ۱۹: باید پذیرفت در جامعه عده‌ای دوست دارند فاحشه تشیع شود.
- **توجه:** در آیات ۱۰ و ۱۴ و ۲۰ «وَلَوْ لَا فَضْلٌ لِّلَّهِ» آمده است. (تأکید بر پررنگ بودن موضوع فضل در این سوره است)
- آیه ۲۱: از این آیه بحث شیطان هم مطرح شده است. شیطان «خطوات» دارد یعنی گام به گام وارد می‌شود.
- آیه ۲۲: در این آیه نقش «اولو الفضل» بیان شده است. «اولو الفضل» کسانی هستند که به مرحله ششم رشد رسیده‌اند. یعنی دارای مسئولیت‌اند. مسئولیت‌ها ممکن است از نوع «دارایی» یا «توانایی» باشد. در واقع «اولو الفضل» قدرت یا مال دارند. وقتی روابط در جامعه خبیث شود، وضع جامعه به هم می‌ریزد. در این شرایط ممکن است اولو الفضل از خودشان اجتهادهایی کنند که این آیه به نوعی جلوی اجتهاد آنها را گرفته است. در جامعه آلوده، ممکن است اولو الفضل دلسرب شوند و فکر کنند نباید به چنین جامعه‌ای انفاق صورت گیرد در حالی که این آیه آنها را به «عفو» و «صفح» دلالت می‌دهد. در واقع می‌توان گفت: اثر وضعی روابط خباثت‌آلود دل‌چرکین شدن مسئولین است تا جایی که حتی آنها از انفاق کردن خودداری می‌کنند.
- کسی که نتواند بستر وقوع این آیات را لمس کند، نمی‌تواند آیات را فهم کند.
- آیه ۲۳: افراد از روی غفلت و بی‌تدبیری کارهایی کرده‌اند که مورد تهمت قرار بگیرند. (آیات ۲۲ و ۲۳ باید با هم دیده شوند.)
- شهادت در این آیات به معنای دیدن کامل یک واقعه است به طوری که فرد بتواند بدون هیچ شک و گمانی به وقوع امری گواهی دهد.
- واژه «مححسن» در قرآن برای خانم‌ها دو معنا دارد:

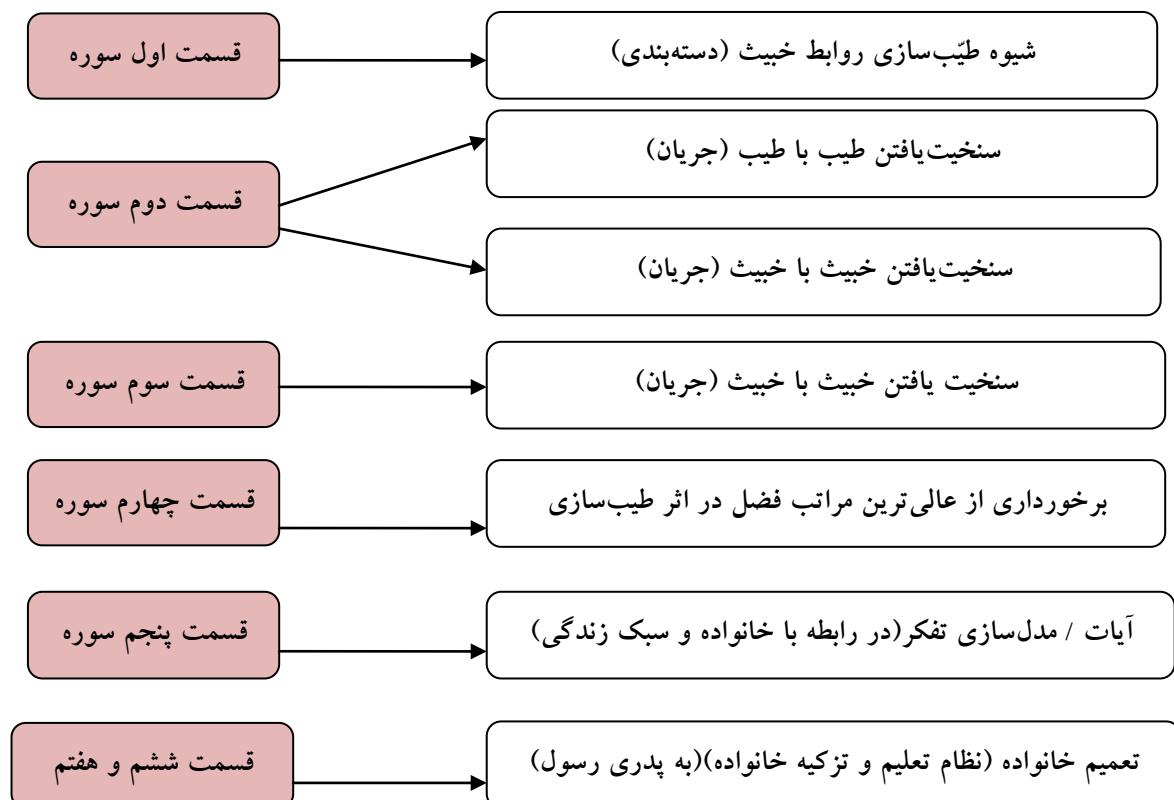
- ✓ به هر خانمی «محسن» گفته می‌شود به اعتبار اینکه در حصن پدر و مادر و یا حکومت قرار دارد.
- ✓ به زنان شوهردار «محسن» گفته می‌شود.

- نکته: طبع و نیاز هر خانمی به در حصن قرار گرفتن است.
- نکته بسیار مهم:

 - صدق: هماراستایی درون و بیرون با حکم خدا را «صدق» گویند.
 - دروغ: هم‌راستایی نداشتن درون و بیرون با حق را «دروغ» گویند.

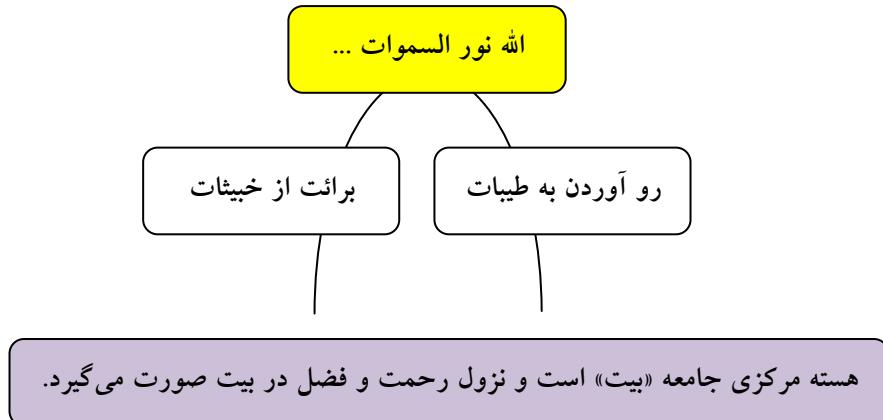
- آیه ۲۴: خدا در این آیه ۵ شاهد نام می‌برد.
- آیه ۲۶: از این آیه فضای سوره متفاوت می‌شود. تقریباً می‌توان گفت تنها آیه‌ای که در مورد ازدواج ملاک داده است، این آیه می‌باشد.
- انشاء الله خدا ما را نیز جزء طبیات و طبیین قرار دهد، زیرا خدا شهادت داده است که «بِئْرَوْنَ مِمَّا يَقُولُونَ»
- «لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ»: خدا طبیات و طبیین را در حصن خودش قرار می‌دهد. یعنی هر سخن ناروایی که درباره فرد طبیی گفته شود، او از آن سخن بری است چون او در حصن خدا قرار دارد.
- آیه ۲۸: بحث «اذن» در طیب‌سازی روابط بسیار مهم است.
- آیه ۳۱: بهتر است این آیات را در دل سوره نگاه شود. بنابراین به موضوع حجاب نیز باید در رابطه با «طیب‌سازی روابط» نگاه شود.

- این آیه نشان می‌دهد که انسان بی‌کس نیست. کمتر آیه‌ای در قرآن اینچنین جزیی آمده است یعنی نشان دهنده اهمیت این آیه در قرآن است. یعنی از جزیی بودن این آیه می‌توان به اهمیت آن پی برداشت.
- آیات ۳۲ و ۳۳: هر کس باید واسط و سبب خیر در به ازدواج درآوردن افراد شود. این آیه مربوط به افرادی است که در رده‌های بالای جامعه قرار دارند.
- **توجه:** آیات این سوره منبعی غنی برای مدل‌سازی احکام است.
- آیه ۳۸: این آیه، قصد و منظور آیات ۳۴ تا ۳۷ را بیان می‌کند. قصد و منظور این آیات «جزاء احسن» و «بهره‌مندی از فضل و رحمت» می‌باشد.
- تا این قسمت از سوره مراتب فضل بیان شده است. یکی از بالاترین مراتب فضل این است که انسان فرودگاه ذکر خدا می‌شود.
- آیه ۴۱ تا ۵۴: در این آیات مباحث تفکری بسیار عمیقی مطرح شده است.
- برای رسیدن به فکری قاطع و یقینی با بصیرت کافی، در حوزه طبیات باید در این آیات تفکر کرد تا بتوان به کشف انگیزه‌هایی که از ابتدای آیات در بک‌گراند آیات می‌باشد نائل گردید.
- در آیه ۴۵ ارتباطی مثال زده که منجر به نزول آب از آسمان می‌شود. آبی که طیب است و طیب می‌کند. این اتفاق که در عالم تکوین افتاده، باید در عالم تشریع و زندگی انسان نیز بیفتاد.
- اگر روابط انسان‌ها «خوبیت» باشد اتفاقاتی که در آیه ۴۳ بیان نموده و بسیار زیباست، اتفاق نخواهد افتاد.
- **﴿يُنَقَّلُ إِلَهُ الْأَيَّلَ وَ الْلَّهُمَّ﴾**: نقش زن و مرد مانند «لیل و نهار» می‌ماند و تبدیل این نقش‌ها به همدیگر.
- فضای خانواده تبدیل به جامعه شده و پدر جامعه نیز «رسول» است.



زنگ دوم:

- آیات ۵۸ و ۵۹ به بعد: در این آیات مسائلی راجع به حریم خانه، حدود و حریم‌هایی که باید مراقب باشیم، مطرح می‌شود. همچنین برخورد کودکان با بزرگ‌ترها درباره رعایت حریم‌ها بیان شده است. می‌توان این آیات را «حریم‌سازی در خانواده» نام گذاشت. در این آیات تعامل پدر و مادر با فرزندان مشخص شده است.
- در این آیات شاخص‌ترین مسئله در رابطه با تربیت و ارتباطش با جامعه بیان شده است.
- آیات ۵۸ و ۵۹: این آیات حکم را دو قسمت نموده است:
- ۱- کسانی که هنوز به تکلیف نرسیده‌اند.
 - ۲- کسانی که به تکلیف رسیده‌اند.
- ظاهراً هر دو گروه در برخورد با این مسئله باید یک کار انجام دهند یعنی هر دو باید «اذن» بگیرند. اما شیوه این اذن گرفتن در این دو گروه با هم متفاوت است. اذن مؤذبانه‌ای که به خاطر فرار از موقعیت نیست.
- آیه ۶۲: این آیه ثمرات اذنی را نشان می‌دهد که پدر و مادر به کودک یاد داده بودند. اذن گرفتن، در جامعه نیز تجلی پیدا می‌کند و به صورت اذن از رسول ظاهر می‌شود.
- آیه ۶۳: این آیه، سوره نور را به سورة مباركة حجرات متصل می‌کند. زیرا نوع برخورد افراد با رسول و ادب آنها را در هر زمانه‌ای بیان می‌کند.



- وقتی نظام طیب شود، نور خدا بر بیوت نازل می‌شود.
- هسته مرکزی جامعه در واقع «بیت» است و نزول رحمت و فضل در بیت صورت می‌گیرد. تجلی این مسئله به وسیله رجالی است که «**لا تلهیهم**» می‌باشد.
- یعنی خروجی یک نظام طیب مردانی است که، «**رِجَالٌ لَا تُلَهِيْهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا يَبْيَغُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامُ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَنَقَّلُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَنْصَارُ**» (۳۷) هستند.
- **توجه:** بیتی مانند بیت حضرت نوح (علیه السلام) اینگونه است، که همه مؤمنین از زمان حضرت نوح (علیه السلام) به بعد در بیت ایشان هستند. گستره‌ی بیت ایشان، تا قیامت ادامه دارد. فرزند نوح خودش را از این بیت خارج کرد و به هلاکت رسید.

* قبل از ورود به نکات سوره نور، توضیحی راجع به «تشهد» و «سلام» و رابطه این دو با نماز بیان می شود:

- یکی از موضوعات مهم در سوره مؤمنون بحث «نماز» بود. یکی از نکاتی که در نماز بسیار مهم است بحث «شهادت» است.
- در شهادت موضوع «ناظر بودن و گواهی دادن» بسیار مهم است.
- شهادت: شاهد واقعه‌ای، بر علیه کسی در محکمه‌ای شهادت و گواهی می‌دهد.

- لازمه شهادت دادن این است که:

۱) واقعه‌ای رخ داده باشد.

(توجه: بزرگترین واقعه این است که وجود از چهره خودش نقاب برداشت) (كتب على نفسه الرحمه)



این اتفاق، بن و اصل هر رخداد است.

اگر خدا اراده نکرده بود که انسان‌ها بفهمند «لا إله إلا الله» هیچ موجودی از این مسئله با خبر نمی‌شد.

۲) مشاهده‌ای صورت گرفته باشد + علم و یقین (ویژگی علم را در وجود بیان می‌کند).

۳) اظهار مشاهده‌ای (اظهار علم) اتفاق افتند.

- این سه مورد در همه شهادت‌ها وجود دارد.

- وقتی می‌گوییم: «خدا شهادت می‌دهد» یعنی واقعه‌ای رخ داده است که بر اساس سوره مبارکه آل عمران، خداوند توحید خود را ابراز کرده است.

- وقتی می‌گوییم واقعه‌ای رخ داده است یعنی خدا هم علم به اینکه واقعه اتفاق افتاده، دارد و هم علم به همه جوانب آن واقعه دارد زیرا هیچ چیزی از احاطه او خارج نیست.

- در تشهد، انسان به شهادتی که خدا بر خود داده است دلالت می‌یابد.

- تشهد: یعنی وجود و هست دیگری غیر از وجود و هست (خداوند)، قائل نمی‌شویم. زیرا خدا خودش شهادت داده است که «الله الله». چون خدا شهادت داده است ما به این مسئله علم پیدا کردیم.

- وقتی شهادت می‌دهیم یعنی هر اتفاقی که در ما یا دیگران می‌افتد به جز علم و اذن خدا نیست. چون هیچ وجودی غیر از وجود خدا نیست. دلیلش هم این است که خود خدا شهادت داده است.

- در شهادت، به فرد یاد داده می‌شود که نسبت به کاری که خودش انجام می‌دهد شاهد باشد. اینچنین فرد نسبت به عالم، حضور پیدا می‌کند.

- خصوصیت «علم وجودی» این است که قابلیت شهادت دارد. علم وجودی علمی است که از طرف خدا به کسی داده می‌شود.

- خصوصیت «علم حقیقی» این است که در فرد «حضور» ایجاد می‌کند.

- **توجه:** اگر کسی نماز عاشورایی بخواند، یعنی شهادت می‌دهد به این که امام حسین (علیه السلام) اقامه (اظهار) کرده است نماز را.

- با شهادت، «علم» امکان تقویت پیدا می‌کند. مثلاً وقتی هنگام خواندن نماز امام زمان (عج)، صدبار می‌گوییم: «ایاک نعبد و ایاک نستعين» یعنی هر بار که این جمله را تکرار می‌کنیم باید با بار قبلی متفاوت باشد.

- وقتی شهادت می‌دهیم، یعنی ما علم داریم به اینکه فلان اتفاق افتاده است و آن علم را اظهار می‌کنیم.

- توجه: زندگی دنیا، حجاب دارد و اجازه نمی‌دهد شهید خودش را نشان دهد.
- «شهادت» جزء علومی است که اگر در سیستم انسان نبود، انسان، «انسان» نمی‌شد زیرا نمی‌توانست به آن چیزی که انجام می‌دهد وقوف پیدا کند و احصایش کند و آن را ببیند و بر اساس آن برنامه‌ریزی کند.
- همه نظام‌های برنامه‌ریزی بر اساس «شهادت» اتفاق می‌افتد. زیرا می‌تواند ببیند و آن علم را احصاء کند و خودش را در آن مختصات قرار دهد (حتی برای آینده) تصویرسازی کند. هرچقدر این شاهد دید بیشتری داشته باشد، علمش نیز بیشتر است.
- به همین علت علم اهل بیت، علم اول و آخر است. زیرا آنها در جایی قرار دارند که می‌توانند همه عالم را مشاهده کنند.
- انسان‌ها را بر اساس شهادتشان می‌توان دسته‌بندی کرد، زیرا هرقدر موقعیت فرد بالاتر باشد احاطه‌اش بیشتر بوده و می‌تواند شهادت دهد. اذن گرفتن کودک برای ورود، در واقع تقویت سیستم شهادت اوست. زیرا کودک باید در سه زمان برای ورود در بزند. او باید خودش، اتفاق، پدر و مادر را از بالا ببیند. او در می‌زند و اگر به او اجازه دادند وارد می‌شود در غیر اینصورت باید برود.
- **«اذن»** در هر کاری می‌تواند شهادت را تقویت کند.
- اذن: یعنی «من خودم را در هیچ شانی رها و آزاد نمی‌بینم چون من عبد هستم». زیرا عبد کسی است که به اذن مولا خودش زندگی می‌کند و به غیر از اذن مولا کاری نمی‌کند.
- **نکته:** نباید کودک را وادار کرد در هر کاری که می‌خواهد انجام دهد، اجازه بگیرد.

* توضیحاتی درباره آیه ۲: (در آیه دو، بحث شهادت مطرح شده است):

- قرار است مجازاتی اتفاق بیفتند و عده‌ای باید شاهد این مسئله باشند. خدا در این سوره هر تهدیدی برای جامعه را تبدیل به فرصت کرده است.
- اگر صحنه این گناه دو نفری که زنا کرده‌اند را تصویر کنید و اتفاقات و تبعات بسیار زیادی که این مسئله به دنبال خواهد داشت، شهادت دادن گروهی هنگام مجازات را بهتر فهم می‌کنید.
- رخدادی اتفاق افتاده که همان حد زدن (تازیانه زدن) به دو نفر زناکار است و گروهی که باید آن را مشاهده کنند و به یقین برسند. این افراد باید بفهمند که دین با کسی تعارف ندارد و محل رأفت نیست. یعنی حکم مجازات را بدون در نظر گرفتن رأفت مشاهده کنند. آنها بعد از شهادت باید آن را اظهار کنند. **«اظهار کردن»** یعنی تقوایشان زیاد شود و مراقبت‌شان نسبت به خودشان و خانواده‌اشان بیشتر شود.
- شهادت دادن شاهدین یعنی اینکه آنها باید بدانند اگر غیبت کردند «اشدُّ من الزنا» است. یعنی اگر کسی غیبت کرد گوشت خواهر یا برادر مؤمن خودش را خورده است. فرد باید این مسئله را به صورت عملی اظهار کند.
- مشاهده‌ی صحنه مجازات، مانند واکسن عمل می‌کند. زیرا واکسن وقتی وارد بدن می‌شود یک بلای موضعی به بدن وارد می‌کند ولی با این کار سیستم ایمنی بدن فرد را تقویت می‌کند. «شهادت این تازیانه خوردن‌ها» نیز اینمی جامعه را بالا می‌برد. حال اگر هنگام

شلاق زدن و مشاهده این صحنه، فضایی ایجاد شود که در شاهدان «تقوا» ایجاد نکند و یا افرادی که تازیانه می‌خورند به مضحكه کشانده شوند و یا شکسته و خرد شوند، از حکم عدول می‌شود.

- به همین دلیل قوام آحکام و بالاخص احکام اجتماعی به ولی و ولایت است. زیرا احکام وجود دارند اما اینکه آحکام به چه شکلی اجرا شوند را ولی باید تشخیص دهد.

- **توجه:** همه آیات سوره مبارکه نور مانند «آیه نور» است. یعنی ینکه بتوان همه آیات را مانند آیه نور دید و در همه آیات، خدا را مشاهده کرد، هنر می‌خواهد. خدا همان خدایی است که در جریانی مشتمل کننده مانند زنا، خودش را به شکل عالم و مراقب خودش را نشان می‌دهد. همه صحنه‌ها، روئیت خداست. نباید به کسی که شلاق می‌خورد نگاه کرد بلکه باید به شاهد نگاه کرد زیرا در واقع صحنه‌ای برای جلوه‌گری خدا برای ما درست شده است.

- فلذ اگر در اجرای احکام نتوان جلوه‌گری خدا را به نمایش گذاشت، باید مطمئن بود مسیر دین را به اشتباه خواهیم رفت.

- اگر زمانی «دین» در مقام تبیین و اجرا به گونه‌ای نشان داده شود که در مردم «کراحت در دین» به وجود آید حتماً بد عمل گردیده است.

- «وَ لَا تَأْخُذُكُمْ بِهِمَا رَأَفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ»: این سخن را به شاهدی که حکم را اجرا می‌کند، می‌گوید. او در مقام اجرای حکم، نباید تساهل و تسامح کند.

- **توجه:**

❖ **طیب:** قابلیتی است مطابق با فطرت.

❖ **خبیث:** قابلیتی است غیر مطابق با فطرت.

- هر حکمی که در دین آمده «طیب» است. بنابراین در دین خدا سر سوزنی «کراحت» وجود ندارد.

- **تکلیف هفته آینده:**

- افق دید خود را با تصحیح و ارتقاء نگرش نسبت به هستی، با رسول تقویت کنیم.

فهرستی از انواع طیب‌ها و خبیث‌ها بنویسید:

خبیث‌ها و طیب‌ها در:

بسترها + باورها + ابرازها و روابط + رزق‌ها + زندگی‌ها

- بسترها ظرف هستند و در کف قرار می‌گیرند.

- باورها درونیات فرد و جامعه هستند. باورها حتماً باید ابراز شوند.

- به طور طبیعی وقتی فرد در بستری با باوری فلان رفتار را از خود بروز می‌دهد، «رزقی» متناسب را از آسمان برای خود نازل می‌کند.

- مجموعه ظرف، باور، ابراز و رزق، «نحوة زندگی» را تشکیل می‌دهد.

- در آیه ۴۵ سوره نور، خداوند سه سبک زندگی آورده است: «وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْسِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْسِي عَلَى رِجْأَنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْسِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (جلسات آینده درباره این سه سبک توضیح داده خواهد شد).

انشاء الله خدا ما را از طیبات قرار دهد.

خدا در این سوره وعده داده است، هر کسی از سنخ طیبات شود، مال اولیاء و انبیاء خواهد بود.

یار رسول الله دست مارا هم بکیر

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاهْمَدْ رَبَّ الْعَالَمِينَ